

## تحلیل جامعه‌شناختی رابطه بین شاخص‌های کیفیت بافت شهری با انزوای اجتماعی زنان

<https://sociology.tabrizu.ac.ir>

شناسه دیجیتال: DOI:10.22034/jeds.2024.60504.1794

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۳/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۱

حمید دهقانی<sup>۱\*</sup>

وحید قاسمی<sup>۲</sup>

کوثر عباسی<sup>۳</sup>

زهرا جلالی<sup>۴</sup>

### چکیده

یکی از آسیب‌های وارد شده به روابط اجتماعی، پدیده انزوای اجتماعی ناشی از تضعیف پیوندهای اجتماعی در جامعه مدرن است که به نوبه خود می‌تواند از بافت شهری امروزی نیز متأثر باشد. بنابراین، هدف مطالعه حاضر بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین شاخص‌های کیفیت بافت شهری و انزوای اجتماعی زنان در سال ۱۴۰۲ بوده است. جامعه آماری، زنان بالای ۱۸ سال شهر اصفهان می‌باشند. نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای از بین مناطق بالا، متوسط و پایین شهر (از مناطق سه‌گانه چند خیابان انتخاب و از هر خیابان چندکوچه و در هر کوچه چند نفر از زنان ساکن آن منطقه) صورت گرفته است. تعداد ۳۵۰ نمونه با ابزار پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. روایی و پایایی پرسشنامه به وسیله اساتید راهنما و همچنین آزمون‌های آماری مورد تایید قرار گرفت. نتایج داده‌ها به وسیله نرم‌افزار SPSS نشان می‌دهد که کیفیت بافت کالبدی، اقتصادی و اجتماعی با انزوای زنان رابطه منفی و معناداری دارد. یعنی با افزایش مطلوبیت و کیفیت بافت شهری، انزوای زنان در همه ابعاد تنهایی، عجز، یاس اجتماعی و تحمل اجتماعی کاهش می‌یابد. تأثیر کیفیت کالبدی بر انزوای اجتماعی بیشتر از سایر ابعاد است (۰/۳۲۸-). بعد از آن به ترتیب کیفیت اجتماعی با ضریب (۰/۲۴۱-)، کیفیت فرهنگی با ضریب (۰/۲۳۲-) و کیفیت اقتصادی با ضریب (۰/۱۲۱-) بر انزوای اجتماعی زنان اثر دارند. همچنین، نتایج کلی آزمون همبستگی بین کیفیت بافت شهری و انزوای زنان نشان می‌دهد دو متغیر با ضریب (۰/۲۵۷-) رابطه معنادار و منفی دارند. به این معنی که با افزایش کیفیت بافت شهری، میزان انزوای اجتماعی زنان کاهش می‌یابد.

**واژگان کلیدی:** بافت شهری، شهر اصفهان، زنان، انزوای اجتماعی

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول).  
h.dehghani@ltr.ui.ac.ir

۲. استاد گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، ایران.  
v.ghasemi@ltr.ui.ac.ir

۳. کارشناس ارشد مطالعات زنان، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، ایران.  
Kosar.abbasi5184@gmail.com

۴. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، ایران.  
Zahra.jalali1985@gmail.com

## مقدمه و بیان مسأله

روابط اجتماعی و ارتباطات جمعی از جمله مواردی هستند که برای رفاه جمعی و فردی جامعه از اهمیت بالایی برخوردارند. ارتباط و روابط اجتماعی را می‌توان از اولین نیازهای بشر در نظر گرفت که افراد برای پشتیبانی از تعهد متقابل، ثبات و یکپارچه‌سازی از این منبع قابل توجه در جامعه بهره می‌برند (آزاد ارمکی و کمالی، ۱۳۹۵: ۱۰۴). در جوامع مدرن با توجه به کثرت هویت‌هایی که فرد به دست می‌آورد، افراد شاهد گسسته شدن اجتماع و افزایش فردگرایی هستند که بر ارتباطات و روابط اجتماعی فشاری مضاعف آورده است. وجود فضایی این چنین موجب گردیده است تا روابط اجتماعی دچار تغییراتی بنیادین شده و باعث به وجود آمدن انزوا در زندگی گروهی از افراد شود. با توجه به وضعیت ارتباطات و پیشرفت آن در ایران، به صورت ویژه در کلان شهرها، روابط و ارتباطات اجتماعی دستخوش تغییرات شده و موجب به وجود آمدن شکل جدیدی در زندگی افراد شده است، شیوه‌ای از زندگی که افراد را به سمت انزوا و تنهایی سوق می‌دهد (رضایی‌نسب و فتوحی، ۱۳۹۸: ۱۳۰). در واقع، انزوای اجتماعی، امروزه از جمله موضوعات و مسائلی است که برای اندیشمندان علوم اجتماعی و روان‌شناسی و دیگر حیطه‌های علوم انسانی مورد توجه و مطالعه قرار گرفته است و اندیشمندان زیادی از جنبه‌هایی متفاوت انزوای اجتماعی را مورد مطالعه و بحث قرار داده‌اند. انزوای اجتماعی توسط لوچر<sup>۱</sup> و همکارانش به صورت «جدایی فیزیکی و اجتماعی افراد از دیگران» تعریف شده است (لوچر و همکاران، ۲۰۱۹: ۷۵۰).

بافت مسکونی در شهرها، محیطی اجتماعی است که در برگیرنده تغییرات و توسعه شهرها در زمان و مکان‌های مختلف می‌باشد که به مرور دچار تغییرات چشم‌گیری شده‌اند. در حال حاضر نیز به علت نقش پر رنگ آن در زندگی، اهمیت خاصی در تشکیل و ثبات روابط اجتماعی دارند. شبکه ارتباطات اجتماعی در میان اقشار مختلف ساکن شهرها از سطح فرهنگ، روابط اجتماعی، اقتصاد، سیاست و فضاهای متفاوت تشکیل شده‌اند و به عبارتی می‌توان گفت که از طبقه‌بندی و نظام‌های متفاوت تاثیر پذیرفته است (فتوحی، ۱۳۹۸: ۵۱). فضای کلانشهر به صورت مستقیم بر ارتباطات افراد اثر می‌گذارد و این تاثیر به صورت ویژه بر روی زنان دیده می‌شود و فضا را برای حضور زنان در اجتماع دشوارتر می‌کند؛ وجود ساختمان‌ها و خیابان‌ها در کلانشهرهای ایران بافت شهری را طوری ایجاد کرده که باعث ایجاد احساس ناامنی در زنان می‌شود و محدوده زمانی و مکانی، زنان را در اجتماع محدود به ساعات و اماکن خاص می‌کند (رشیدی و ملک حسینی، ۱۳۹۳: ۳۴۵).

در واقع، جنسیت‌زدگی در فضاهای شهری به خصوص در کلان‌شهرها که موجب عدم رضایت زنان از بافت شهر می‌شود، زنان را به سمت‌وسوی انزوای بیشتر سوق می‌دهد (محمدی

1. Locher

و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲). بدین ترتیب انزوای اجتماعی موجب فاصله افراد از اجتماعات رسمی و غیررسمی می‌شود و همبستگی اجتماعی و به طور کلی روابط پایدار و عمیق را کاهش می‌دهد. ضعف در طراحی فضاهای شهری باعث می‌شود زنان در بهره‌مندی از فضاهای عمومی شهری و مشارکت‌های اجتماعی دچار محدودیت شوند. ایجاد فضای امن برای حضور شهروندان زن در بخش‌های مختلف جامعه، احساس امنیت و آرامش برای کودکان و مردان را نیز به دنبال خواهد داشت. همچنین مشارکت اجتماعی زنان به عنوان نیمی از سرمایه‌ی انسانی در رشد و توسعه‌ی جامعه تأثیر قابل توجهی خواهد داشت (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۹).

بطور کلی مطلوبیت یک فضای شهری به توانایی پاسخگویی فضا به نیاز استفاده‌کنندگان آن بستگی دارد. باوجود اینکه نیمی از جمعیت شهرها را زنان تشکیل می‌دهند، در طراحی و ساخت فضاهای شهری به نیاز این گروه چندان توجه نشده است. زنان به عنوان یک هویت اجتماعی بزرگ از جمله قشر آسیب‌پذیری هستند که انزوای اجتماعی آنان باعث به خطر افتادن کانون خانواده و دوری از اجتماع می‌گردد، از این حیث توجه دقیق به مسائل و مشکلات آنان بسیار حائز اهمیت است (سام آرام و امینی یخدانی، ۱۳۸۸: ۱۳۸).

بطور کلی زنان به واسطه ویژگی‌های خاص شخصیتی و نقش اجتماعی، در ارتباط با فضای باز شهری نیازهای خاصی دارند که مستلزم رعایت و تامین نیازهای آن‌ها در فضاهای شهری است. در صورت عدم توانایی فضا در پاسخگویی به نیازهای آن نمی‌توان ادعا کرد که فضای موردنظر فضای عمومی و همه‌شمول است (پورحسین روشن، ۱۴۰۰: ۱۱۹). با توجه به مطالب ذکر شده و اهمیت حضور زنان در فضای شهری و محدودیت‌ها و حصارهای ایجادشده برای زنان در فضای اجتماعی و عرصه‌های عمومی، همچنین بافت شهری متنوع اصفهان و تقسیم این شهر به مناطق مختلف از نظر بافت کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و یکدست نبودن امکانات شهری در این مناطق، این پژوهش در پی تحلیل جامعه‌شناختی رابطه بین شاخص‌های کیفیت بافت شهری با انزوای اجتماعی زنان در شهر اصفهان می‌باشد. این پژوهش نشان خواهد داد که شاخص‌های کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهری به چه میزان با انزوای اجتماعی زنان ارتباط دارد و راه‌های برون‌رفت از این محدودیت‌ها کدام است؟

مدرسی یزدی و همکاران (۱۳۹۶) در بررسی انزوای اجتماعی دختران یزد و عوامل فرهنگی اجتماعی مؤثر بر آن به این نتیجه رسیدند که میزان متوسط انزوای اجتماعی در بین جمعیت نمونه، ۶۳/۰۹ درصد است و این مقدار نشان دهنده درجه انزوای نسبتاً زیاد در بین آنهاست. همچنین باورهای سنتی و نوع برداشت از خود در مجموع بیشترین تأثیر را بر میزان انزوای اجتماعی داشته‌اند که بیشترین تأثیر مربوط به متغیر برداشت از خود بوده است. بشیری و همکاران (۱۳۹۵) در بررسی میزان انزوای اجتماعی در زنان سرپرست خانوار به این بحث می‌پردازند که زنان سرپرست خانواده، علاوه بر وظایف مادری و تربیت فرزندان، نگهداری و

مراقبت از آنان و اداره امور خانه، در راستای آن نقش اقتصادی خانواده را نیز به عهده دارند و بدین جهت برای تامین معاش خانواده، ملزم به اشتغال بیرون از خانه می‌باشند. اما به دلیل این که زنان در سرتاسر دنیا، از وضعیت اشتغال و در آمد مناسب و کافی برخوردار نیستند، مسایل و مشکلات آنان نسبت به مردان سرپرست خانوار بیشتر می‌شود و یکی از این مسائل انزوای اجتماعی آنهاست.

امبرسون<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهش جنسیت و انزوای اجتماعی در سراسر دوره زندگی، نشان دادند که سطوح انزوای اجتماعی به طور پیوسته از دوران نوجوانی تا اواخر زندگی برای مردان و زنان افزایش می‌یابد. یانلی<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۲۱) در «محاسبه نسبت تراکم انومی ملی: اندازه‌گیری الگوهای تنهایی و انزوای اجتماعی در سراسر بریتانیا» نشان دادند که تراکم به طور مستقل با تنهایی و انزوای اجتماعی مرتبط بود، به این معنی که طراحی شهری و استراتژی‌های برنامه‌ریزی تراکم اهمیت دارند. به خصوص در عصری که تراکم جمعیت حومه شهرها شتاب می‌گیرد. سنتوس<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان انزوای اجتماعی به عنوان محرکی برای خشونت علیه زنان در تجربه بحران به این نتیجه رسیدند که انزوای اجتماعی یک عامل مستعد کننده برای خشونت خانگی علیه زنان است و قربانیان نیاز به راهنمایی، شفاف‌سازی در مورد حقوق خود و انتخاب احتمالی خدمات بهداشتی در دسترس دارند. منک<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۱۹) در «بررسی عوامل شخصی و جغرافیایی مرتبط با انزوای اجتماعی و تنهایی با استفاده از داده‌های مطالعه طولی سالمندی کانادا (CLSA)»<sup>۵</sup> نشان داد ویژگی‌های فردی به طور معنی‌داری با انزوای اجتماعی و تنهایی مرتبط بود. برخی از عوامل جغرافیایی با انزوای اجتماعی مرتبط بودند اما با تنهایی ارتباط نداشتند و زندگی در یک مرکز شهری با افزایش احتمال انزوای اجتماعی همراه بود.

## مبانی نظری

از دیدگاه جامعه‌شناسی، روابط اجتماعی در قالب تماس‌های اجتماعی، عنصر سازنده‌ی همبستگی و پایداری اجتماعی در میان مردم تلقی می‌گردد. بنابراین، جامعه‌شناسان به طور عمده به تبیین چگونگی ادغام یا انسجام اجتماعی و یا مخدوش شدن روابط اجتماعی، حالات و خصوصیات منفصلانه و پرخاشگرانه فرد در قبال جامعه و ساخت اجتماعی توجه می‌کنند. یکی از عواملی که می‌تواند در مقابل انسجام اجتماعی، روابط اجتماعی را تهدید و دچار اختلال کند، پدیده «انزوای

1. Umberson

2. Yanlai

3. Santos

4. Menec

5. Canadian Longitudinal Study on Aging

اجتماعی» است. انزوای اجتماعی به عنوان یکی از مؤلفه‌های بیگانگی، پدیده‌ای است که صاحب‌نظران اجتماعی چون مارکس، دورکیم، وبر، زیمل، پارسونز، مانهایم و ... به اشکال گوناگون به تبیین آن به عنوان یک مسأله اجتماعی پرداخته‌اند (طالب و برزگری دهج، ۱۳۹۱، به نقل از کرمانی، ۱۳۹۹: ۴۵).

در بین رویکردهای ابتدایی فردیناند تونیس<sup>۱</sup> در توضیح تغییرات اجتماعی جوامع انسانی معتقد است، انقلاب صنعتی و شهری شدن سریع در اروپا، تغییراتی را در روابط اجتماعی افراد ایجاد می‌کند. تونیس اجتماع محلی سنتی یکپارچه‌ای که مبتنی بر محل و مکان و روابط غیررسمی است را گمنشافت<sup>۲</sup> و در مقابل گزلفاشافت<sup>۳</sup> را جامعه شهری و مدرن با روابط اجتماعی رسمی تعریف می‌کند. اجتماع محلی به واسطه زندگی گروهی و جمعی در یک مکان و فضا پدید می‌آید و شالوده آن احساس ریشه‌داری و تعلق افراد به مکان‌هایی است که در آن زندگی می‌کنند. این تعلقات آمیزه‌ای از تعلقات جغرافیایی و اجتماعی است او بیان می‌کند که در گمنشافت، فرد با گذشت زمان یک وابستگی را احساس می‌کند در حالی فرد در گزلفاشافت همانگونه وارد می‌شود که گویی وارد یک کشور بیگانه شده است. علاوه بر این تونیس می‌گوید که گمنشافت را باید مانند یک ارگانسیم زنده و گزلفاشافت را همانند انبوه‌های مکانیکی و محصولی مصنوعی درک کرد (کیویستو<sup>۴</sup>، ۱۳۸۶: ۱۲۷).

به نظر دورکیم<sup>۵</sup> نیز بحران جامعه مدرن از دست رفتن پیوندهای اجتماعی و همبستگی است. جوامع جدید به سبب تغییر از همبستگی مکانیکی مبتنی بر یکسانی ارزش‌ها و هنجارها به همبستگی ارگانیکی مبتنی بر تمایز و تفاوت ممکن است با مشکل عدم وابستگی و همبستگی میان فرد و اجتماع مواجه شوند (آرون<sup>۶</sup>، ۱۳۸۷: ۵۶). افرادی که نتوانند با جامعه خود و اجتماعات محلی ارتباط برقرار کنند دچار مسائلی نظیر احساس انزوا، بیرون ماندگی و فاصله شده و مستعد خودکشی فردگرایانه، خودخواهانه و یا آنومیک می‌شوند. یکی دیگر از کسانی که می‌توان در فهم انزوای اجتماعی اطن ظرات وی بهره برد جورج زیمل است. او در کار خود با عنوان «کلانشهر و حیات ذهنی<sup>۷</sup>» به تمایل به خویش‌تنداری بین مردم شهر توجه می‌کند. به اعتقاد زیمل، این خویش‌تنداری تنها به معنای بی‌تفاوتی نیست بلکه به معنای اکراه، بیگانگی دوجانبه و تنفر نیز هست. از نظر او روابط بی‌تفاوت یا حتی روابط همراه با اکراه تنها راه عملی برای همراه بودن با تعداد بی‌شماری بیگانه در فضاهای پر ازدحام شهر است. این امر این امکان را فراهم می‌کند که

---

1. Ferdinand Tonnies  
 2. Gemeinschaft  
 3. Gesellschaft  
 4. Kivisto  
 5. Durkheim  
 6. Aron  
 7. The Metropolis and Mental Life

فرد با دیگران ناشناخته بسیاری همزیستی نمایند. بنابراین، خودداری از کنش متقابل، تنها به معنای کناره‌گیری اجتماعی نیست، بلکه شرط اولیه برای زندگی اجتماعی است که آرامش افراد را همراه با صلح نسبی اجتماعی تضمین می‌کند (زیمل<sup>۱</sup>، ۱۳۷۲: ۵۴). به اعتقاد زیمل این تأثیر اجتماعی، بیانگر یک حقیقت فضایی در شهر مدرن است. شهر مدرن، با این که مردم را از نزدیک به هم فشرده می‌کند اما یک جدایی فضایی را ایجاد می‌کند. بودن در یک شهر شلوغ، تناقض بین ماهیت جمعی زندگی اجتماعی و انزوای بنیادی فرد، تناقض بین مطالبات گروه و فرد را بزرگ نشان می‌دهد (تانکیس<sup>۲</sup>، ۱۳۹۰: ۱۷).

نخستین جامعه‌شناسان شهری در مکتب شیکاگو تأثیر زیادی از تونیس، دورکیم و زیمل پذیرفته‌اند. ورث در «شهرنشینی به مثابه سبک زندگی» سال ۱۹۳۸ معتقد است شهر با سه ویژگی حجم، تراکم و ناهمگونی سبب قطعه‌قطعه شدن زندگی اجتماعی شده میزان و کیفیت روابط اجتماعی را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر پارک معتقد است شهرنشینی با تشکیل موزاییک‌های شهری یا همان ناحیه‌های طبیعی اجتماعات محلی خود را با حدی از وحدت کارکردی و اخلاقی تشکیل می‌دهند. موزاییک‌ها یا جهان‌های اجتماعی کوچک که در جوار یکدیگر ولی با تمایز و فاصله‌های اجتماعی قرار دارند (ساندرز<sup>۳</sup>، ۱۳۹۲: ۱۰۵).

تأکید اصلی در مطالعه انزوای اجتماعی بر فقدان تعاملات، پیوندها و روابطی است که افراد را به صورت عینی به هم متصل می‌سازد. بدون تردید انزوای اجتماعی افراد را از مشارکت غیررسمی و رسمی در جامعه محروم می‌سازد. مبادله اجتماعی و دلبستگی اجتماعی را کاهش می‌دهد. از تبادل پایدار و دائمی افکار و احساسات از کل به فرد و از فرد به کل جلوگیری می‌کند. موجب تضعیف یا قطع روابط و مبادلات نامتقارن گرم و روابط گفتمانی می‌شود، از احساس مشارکت در روابط گرم، صمیمی و انسانی جلوگیری می‌کند. فرصت‌های مناسب را برای با هم زندگی کردن، با هم کارکردن، با هم تجربه کردن و با هم بودن سلب می‌کند و نهایتاً روابط طولانی، پایدار و عمیق را غیرممکن می‌سازد. موارد یاد شده می‌توانند پیامدهای مختلفی از جمله احساس تنهایی، احساس عجز، یاس اجتماعی و کاهش تحمل اجتماعی را به دنبال داشته باشند (چلبی و امیرکافی، ۱۳۸۳، به نقل از کرمانی، ۱۳۹۹: ۴۹).

انزوای اجتماعی اشاره به زندگی بدون مصاحبت، فقدان دیگران مهم و مناسبات مشترک، اعتماد و حرکت به سمت دوره‌های بحران و گسست در اتصالات عینی و شبکه‌های روابط اجتماعی اعضای جامعه کرده (هائورن<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶: ۵۲۲، به نقل از کلانتری و حسینی، ۱۳۹۴: ۹۱) و

1. Simmel  
2. Tankis  
3. Sanders  
4. Hawthorne

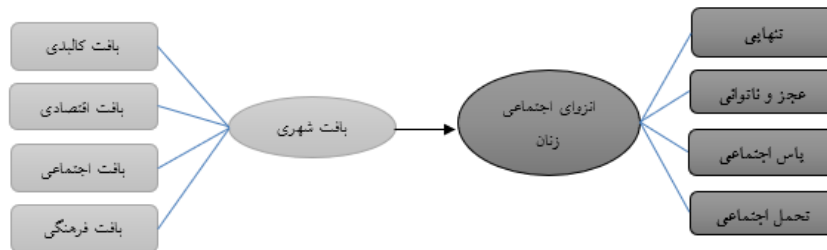
بر عملکرد و بهزیستی افراد و پیوستگی اجتماعی درون جامعه تأثیر منفی می‌گذارد. فقدان روابط مؤثر، تهدیدی جدی برای رفاه و سلامتی افراد به وجود می‌آورد؛ افرادی که روابط استوار و معنادار با سایرین را حفظ نکرده و کسی را ندارند که به هنگام ضرورت به او مراجعه کنند تا حد زیادی در خودشان غوطه‌ور می‌شوند. این مسئله اغلب به مشکلات خطرناکی از قبیل اختلالات روانی، افسردگی، عزت نفس پایین، مشکلات اجتماعی و علائم مریضی جسمانی منجر می‌گردد و انسان و جامعه را در معرض آسیب‌های روانی - اجتماعی متعددی قرار داده و در نتیجه سلامت جامعه را به خطر می‌اندازد (کلانتری و حسینی، ۱۳۹۴: ۹۲). کوهن<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) انزوای اجتماعی را معادل بیگانگی فرهنگی دانسته و کریستینا<sup>۲</sup> و همکارانش (۲۰۰۹) نیز بر این باورند که انزوای اجتماعی در دو مفهوم مجزا بیان می‌شود: اول در معنای جدایی افراد و گروه‌های اجتماعی از جامعه‌ی وسیع دیگرست و معنای دوم آن بر جدایی افراد از گروه‌های اجتماعی اولیه مانند خانواده، دوستان و همسایگان اطلاق می‌شود (کلانتری و حسینی، ۱۳۹۴: ۹۳).

می‌توان ابعاد کالبدی و غیرکالبدی را به عنوان ابعاد فضای شهری در نظر گرفت که از طریق مولفه‌هایی مانند کاربری، عناصر طراحی محیطی، شبکه مسیر تردد، شهرت شهر، عدالت جنسیتی و تجربه شخصی معرفی و اندازه‌گیری می‌شوند. اگرچه در مطالعات نظری و تجربی بر تأثیرات مستقیم ابعاد کالبدی و غیرکالبدی فضای شهری بر احساس تنهایی تأکید شده است، اما تأثیرات غیرمستقیم آنها بر تنهایی را نیز می‌توان از طریق تعامل و نظارت مطرح کرد. فضای شهری با فرصت تعاملی که برای ارتباط انسانی فراهم می‌کند می‌تواند بر تنهایی ساکنان به ویژه زنان تأثیر بگذارد. همچنین فضاهای شهری با توجه به جنبه‌های کالبدی و غیرکالبدی می‌تواند منجر به افزایش میزان نظارت شود که این به نوبه خود منجر به افزایش احساس امنیت و عدم انزوا در سطح فضای شهری می‌شود. بر این اساس تعامل به عنوان متغیرهای واسطه‌ای تأثیرگذار بر احساس امنیت و عدم انزوای زنان در نظر گرفته شده است (فلاح‌پور و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲۴).

در چارچوب نظری پژوهش طبق نظر فردیناند تونیس، شهر اصفهان به دلیل داشتن بافت سنتی و بافت مدرن در کنار هم، به سه منطقه بالا، متوسط و پایین تقسیم‌بندی می‌شود و در این تقسیم‌بندی بافت شهری از لحاظ کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین، طبق نظر زیمل انزوای اجتماعی، بیانگر یک حقیقت فضایی در شهر مدرن است. شهر مدرن، با این که مردم را از نزدیک به هم فشرده می‌کند اما یک جدایی فضایی را ایجاد می‌کند. ورث نیز معتقد است شهر با سه ویژگی حجم، تراکم و ناهمگونی سبب قطعه قطعه

1. Cohn  
2. Christina

شدن زندگی اجتماعی شده میزان و کیفیت روابط اجتماعی را کاهش می‌دهد. براساس این نظرات، مدل مفهومی پژوهش به صورت زیر می‌باشد:



شکل شماره ۱: مدل مفهومی پژوهش

## روش پژوهش

این پژوهش پیمایشی توصیفی-تحلیلی بوده و از لحاظ هدف کاربردی است و به بررسی رابطه شاخص‌های کیفیت بافت شهری با انزوای اجتماعی زنان در شهر اصفهان پرداخته است. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی بوده و به منظور مطالعه و دستیابی به پیشینه و مطالعاتی که در این زمینه صورت گرفته است از مقالات، کتب، اینترنت، پایان‌نامه‌ها و... استفاده شده است. از میان روش‌های میدانی هم از پرسشنامه برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. نمونه تعداد ۳۵۰ نفر است که با استفاده از فرمول کوکران محاسبه و به روش خوشه‌ای از بین مناطق بالا، متوسط و پایین شهر انتخاب شده‌اند؛ به این صورت که از مناطق سه‌گانه چند خیابان انتخاب شد و از هر خیابان چند کوچه و در هر کوچه چند نفر از زنان ساکن آن منطقه به سوالات پرسشنامه پاسخ دادند. تجزیه و تحلیل داده‌ها توسط نرم‌افزار SPSS انجام شده است. داده‌ها به صورت توصیفی و استنباطی با استفاده از آزمون‌های آماری جهت تعیین وضعیت متغیرهای پژوهش، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

## ابزار پژوهش

ابزار گردآوری داده‌ها برای بررسی انزوای اجتماعی، پرسشنامه چلپی و امیرکافی (۱۳۸۳) و برای بررسی کیفیت بافت شهری، پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد. در این پژوهش پرسشنامه انزوای اجتماعی از گویه‌هایی تشکیل شده که جهت سنجش متغیر وابسته (انزوای اجتماعی) در چهار بعد تنهائی، عجز، پاس اجتماعی و تحمل اجتماعی طراحی شده است. لازم به توضیح است که



برخی از این گویه‌ها به صورت معکوس مطرح شده‌اند و نمره به دست آمده از این گویه‌ها در جهت معکوس مورد استفاده قرار می‌گیرد.

**جدول شماره ۱: گویه‌های متغیر انزوای اجتماعی**

من نیاز به مصاحبت و همراهی با مردم محله دارم.	تنهایی
در همسایگان و محله افرادی هستند که می‌توانم با آن‌ها صحبت کنم.	
در همسایگان و محله کسی را ندارم که با وی صحبت کنم.	
قادر نیستم تنهایی را خیلی تحمل کنم	
کاملا احساس تنهایی می‌کنم.	
از دورهمی با دوستانم لذت می‌برم	
به انجام فعالیت‌های ورزشی گروهی می‌پردازم.	
به کتابخانه و فرهنگسرا می‌روم.	
می‌توانم به دوستانم اتکا کنم.	عجز
قادر نیستم با کسانی که در بیرون هستند ارتباط برقرار کنم.	
روابط اجتماعی من مصنوعی است.	
نمی‌توانم در فعالیت‌های اجتماعی شرکت کنم.	
از رفتن به مراکز خرید شهر لذت می‌برم.	
به مردم محله اطمینان چندانی ندارم.	یأس اجتماعی
چون به دیگران اطمینان ندارم، تنهایی را بیشتر دوست دارم.	
احساس می‌کنم با اعضای خانواده‌ام، نزدیک و صمیمی نیستم.	
خواهان دل بستگی به دیگران هستم.	
خانواده‌ام صمیمانه به من عشق می‌ورزند.	
از رفتن به پارک و قدم زدن در خیابان لذت می‌برم.	
در فعالیت‌های اجتماعی یا داوطلبانه شرکت می‌کنم.	
دوستانم به من احترام می‌گذارند.	

تحمل اجتماعی	خیلی محبوب هستیم.
	رابطه من و دوستانم بسیار مهم است.
	مردم مرا تحسین و ستایش می‌کنند.
	در مراسمات عمومی مانند مراسم مذهبی شرکت می‌کنم.

همچنین پرسشنامه مربوط به متغیر مستقل (بافت شهری) نیز در چهار بعد کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی طراحی شد.

### جدول شماره ۲: گویه‌های متغیر بافت شهری

بهد کالبدی	۱	مناسب بودن ظاهر محله و نمای ساختمان‌ها (چیدمان و زیبایی)
	۲	مناسب بودن وضعیت موجود خیابان‌ها، عرض معابر و کوچه‌ها
	۳	نزدیکی به مراکز خرید شهر
	۴	مناسب بودن شرایط تردد شهروندان خاص (افراد دارای معلولیت)
	۵	مناسب بودن مراکز تفریحی در محله
	۶	رفت و آمد آسان
	۷	وجود ساختارهای به روز شهری و شبکه‌های تاسیساتی
	۸	وجود مکان‌های برنامه‌ریزی شده برای بازی و ورزش
	۹	میزان دسترسی به پارک و فضای سبز
	۱۰	روشنایی کافی معابر و خیابان‌ها در شب
اقتصادی	۱۱	توانایی مالی و سطح درآمدی ساکنین
	۱۲	ارزش اقتصادی زمین و مسکن
	۱۳	فرصت‌های اقتصادی برای ساکنین محله
	۱۴	نقش اقتصادی محله در سطح شهر
اجتماعی	۱۵	آشنا بودن مردم محله با هم
	۱۶	تعهد مردم محله نسبت به حل مشکلات
	۱۷	وجود روابط اجتماعی بین مردم محله
	۱۸	مشارکت مردم محله در تصمیم‌گیری‌های محلی
	۱۹	میزان آسیب‌های اجتماعی در محله
	۲۰	میزان امنیت محله
	۲۱	وجود تجانس اجتماعی

۲۲	پایبندی افراد به هویت فرهنگی محله	۳۴
۲۳	وجود مکان‌ها و فضاهای فرهنگی و تربیتی	
۲۴	فضاهای مختص گذران اوقات فراغت	
۲۵	وجود مهاجران و تغییر ساختار فرهنگی محله	
۲۶	وجود کتابخانه و خانه فرهنگ	

### روایی و پایایی

برای تعیین روایی پرسشنامه در این پژوهش، از روش روایی سازه استفاده شد. اعتبار سازه بر این مطلب تأکید می‌کند که آزمون تا چه اندازه سازه نظری یا صفت مورد نظر را اندازه می‌گیرد. اعتبار سازه مبتنی است بر ساختن فرضیه‌هایی درباره مفاهیم مورد سنجش و آزمون این فرضیه‌ها و تعیین همبستگی آنها با سنجش اولیه. این سنجش مستلزم سه اقدام اساسی است: در ابتدا سازنده آزمون باید صفت مورد نظر را به دقت تحلیل کند؛ در مرحله بعد، چگونگی ارتباط صفت با متغیرهای دیگر را مورد توجه قرار دهد و بعد از طریق آزمایش معلوم کند که آیا این روابط فرضی واقعاً وجود دارند یا خیر.

برای بررسی روایی سازه از روش تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. به منظور بررسی ساختار عاملی، تحلیل عاملی به شیوه مولفه‌های اصلی به کار برده شد. قبل از اجرای تحلیل عاملی لازم است کفایت نمونه‌برداری و معناداری اطلاعات موجود در ماتریس همبستگی بررسی شود. شاخص KMO شاخصی از کفایت نمونه‌گیری است که کوچک بودن همبستگی جزئی بین متغیرها را بررسی می‌کند و از این طریق مشخص می‌کند آیا واریانس متغیرهای پژوهش، تحت تاثیر واریانس مشترک برخی عامل‌های پنهانی و اساسی است یا خیر. آزمون بارتلت بررسی می‌کند چه هنگام ماتریس همبستگی، از نظر ریاضی ماتریسی واحد (همانی) است. اگر ماتریس همبستگی واحد یا یک (همانی) باشد، برای شناسایی ساختار (مدل عاملی) نامناسب است. حالت دوم زمانی است که ماتریس همبستگی بین متغیرها، ماتریسی یک یا واحد نباشد، که در این صورت ارتباط معنی‌داری بین متغیرها وجود داشته و بنابراین امکان شناسایی و تعریف عامل‌های جدید بر اساس همبستگی متغیرها وجود دارد.

جدول شماره ۳: نتایج آزمون‌های پایایی و روایی پرسشنامه

متغیر	تعداد گویه	آلفای کرونباخ	بار عاملی KMO	آزمون بارتلت	درجه آزادی	احتمال معناداری
۱ انزوای اجتماعی	۲۵	۰/۷۴۵	۰/۶۲۴	۷۰۲/۵	۲۴	۰/۰۰۱

۲	بافت کالبدی	۱۰	۰/۸۴۱	۰/۶۷۴	۶۹۹/۳	۸	۰/۰۲۱
۳	بافت اقتصادی	۴	۰/۷۹۸	۰/۶۱۲	۶۸۷/۵	۱۰	۰/۰۲۵
۴	بافت اجتماعی	۷	۰/۸۴۱	۰/۶۶۵	۶۸۷/۴	۹	۰/۰۰۱
۵	بافت فرهنگی	۵	۰/۷۶۳	۰/۶۷۸	۷۱۲/۰		

با توجه به نتایج جدول فوق مقدار آزمون KMO برای متغیر وابسته مزاحمت خیابانی برابر با (۰/۶۷۴) بدست آمده که بین صفر تا یک است و هرچقدر به یک نزدیکتر باشد، به همان مقدار پایایی نمونه بالاتر است. نتیجه آزمون بارلت برابر با (۷۰۲/۵) در سطح خطای (۰/۰۰۱) بدست آمده است. برای متغیرهای مستقل نیز مقدار آزمون KMO و مقدار آزمون بارلت با سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ و معنادار بدست آمده است و نتیجه گرفته می‌شود، تفکیک عامل‌ها به درستی انجام شده و سؤال‌های مندرج در هر عامل، باهمدیگر همبستگی دارند. به طور خلاصه عامل‌های استخراج شده در این مطالعه منطبق با انتظارات نظری محقق بوده و گویه‌ها با بار عاملی مناسب از لحاظ نظری و تجربی مورد تایید هستند.

#### جدول شماره ۴: محلات انتخابی در پژوهش

سطح محله از نظر اجتماعی-اقتصادی	محلات منتخب جهت نمونه‌گیری
پایین	امام خمینی، لاله، شهرک ولیعصر
متوسط	وحید، کاوه، سیمین، طوقچی، پروین، مولوی، مدرس، تختی، باهنر
بالا	عباس‌آباد، مصلی، مردابویج، سعادت‌آباد، کوی امام، آماگاه، مشتاق، نیکبخت، کلینی، شیخ صدوق، آبشار، بزرگمهر، خواجه، عسگریه

#### یافته‌های پژوهش

در بخش آمار توصیفی، اطلاعاتی در مورد متغیرهای جمعیت‌شناختی نمونه از قبیل تحصیلات، سن، وضعیت تاهل و منطقه محل سکونت ارائه می‌شود.

#### جدول شماره ۵: توزیع پاسخگویان براساس متغیرهای جمعیت‌شناختی

سن	درصد	تحصیلات	درصد	وضعیت تاهل	درصد
کمتر از ۲۰	۶/۰	دیپلم و کمتر	۲۴/۷	مجرد	۳۶/۷
۲۰-۳۰	۲۹/۳	کاردانی	۱۲/۰	متاهل	۴۸/۷
۳۰-۴۰	۳۸/۰	کارشناسی	۳۵/۳	همسر فوت شده	۴/۷
۴۰-۵۰	۰/۱۶	ارشد	۱۸/۰	جداشده	۹/۳

بالاتر از ۵۰	۰/۱۰	دکتر	۹/۳	کل	۹۹/۳
کل	۹۹/۳	کل	۹۹/۳	بی‌پاسخ	۰/۷
بی‌پاسخ	۰/۷	بی‌پاسخ	۰/۷	کل	۱۰۰
کل	۱۰۰	کل	۱۰۰		
منطقه سکونت	پایین	متوسط	بالا		
درصد	۲۶/۹	۳۴/۲	۳۹/۰		

در ابتدا به بررسی میانگین انزوای اجتماعی در بین مناطق مختلف پرداخته شد. نتایج نشان داد که میزان انزوای مناطق بالا کمتر از میزان انزوای مناطق متوسط و پایین می‌باشد. میانگین انزوای مناطق پایین نیز بیشتر از سایر مناطق است.

جدول شماره ۶: میانگین انزوای اجتماعی در بین مناطق مختلف

نوع محله	میانگین	انحراف معیار
پایین	۲/۹۶۰۰	۰/۶۵۸۸۹
متوسط	۲/۹۲۱۴	۰/۶۲۴۷۷
بالا	۲/۵۶۷۵	۰/۴۶۹۶۸
کل	۲/۵۵۷۷	۰/۵۵۲۷۲

در شاخص کیفیت کالبدی، اجتماعی و فرهنگی بافت شهری با استفاده از آزمون T یکطرفه میزان مطلوبیت بافت شهری را با میانگین متوسط مقایسه کردیم. نتیجه نشان می‌دهد که این اختلاف معنادار نیست و بنابراین در سطح ۹۵ درصد نمی‌توان قضاوت کرد که مطلوبیت بافت شهری از میزان متوسط کمتر است. جدول زیر آزمون یکطرفه برای ابعاد انزوای اجتماعی و شاخص‌های کیفیت بافت شهری را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۷: آزمون t یک طرفه برای مقایسه میانگین ابعاد انزوای اجتماعی و شاخص کیفیت بافت شهری با میانگین متوسط

Test Value = 3			
t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین
-۲/۲۷۳	۳۴۰	۰/۰۲۴	-۰/۰۹۶۵۵
-۹/۰۱۴	۳۴۰	۰/۰۰۰	-۰/۵۵۰۵۶
-۷/۳۵۸	۳۴۰	۰/۰۰۰	-۰/۴۰۴۷۶

تحميل اجتماعی	-۹/۱۸۷	۳۴۰	۰/۰۰۰	۰/۵۲۷۰۰
کل	-۸/۲۱۱	۳۴۰	۰/۰۰۰	-۰/۳۶۰۱۲
کالبدی	-۰/۸۸۸	۳۴۵	۰/۳۷۶	-۰/۰۴۸۰۷
اقتصادی	۲/۶۲۷	۳۴۵	۰/۰۱۰	۰/۱۵۰۰۰
اجتماعی	-۶/۱۴۶	۳۴۵	۰/۰۰۰	-۰/۲۸۷۳۱
فرهنگی	-۱/۶۷۱	۳۴۵	۰/۰۹۷	-۰/۰۸۷۶۷

با توجه به یافته‌های پژوهش و سطح معناداری ( $\text{sig} < 0.05$ ) به دست آمده، تفاوت میانگین انزوای اجتماعی در بین مناطق مختلف معنادار است.

جدول شماره ۸: آزمون (ANOVA) انزوای اجتماعی در بین مناطق مختلف

مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین متوسط	F	سطح معناداری
۳/۵۲۳	۴	۰/۸۸۱	۳/۰۶۲	۰/۰۱۲
۳۱/۳۵۱	۱۰۹	۰/۲۸۸		
۳۴/۸۷۳	۱۱۳			

در بعد تنهایی، عجز، یاس اجتماعی و کل انزوای اجتماعی با توجه به اینکه میانگین به دست آمده کمتر از حد متوسط است بنظر می‌رسد می‌توان نتیجه گرفت که در این زمینه انزوا به میزان پایین‌تر از حد متوسط است. به منظور بررسی این موضوع با استفاده از آزمون T یکطرفه میزان انزوای اجتماعی را با مقدار متوسط یعنی ۳ مقایسه کردیم. نتیجه نشان می‌دهد که این اختلاف معنادار است و بنابراین در سطح ۹۵ درصد می‌توان قضاوت کرد که انزوای اجتماعی از میزان متوسط کمتر است.

به دلیل نزدیکی میانگین‌ها از آزمون‌های تعقیبی برای بررسی بهتر میزان انزوای اجتماعی در مناطق مختلف استفاده شد. نتایج آزمون و سطح معناداری در جدول زیر نشان داد که تفاوت میزان انزوای اجتماعی در مناطق مختلف معنادار نیست.

جدول شماره ۹: آزمون تعقیبی توکی و شفیه

نوع محله	Subset for alpha = 0/05	
	۱	۲
آزمون توکی <sup>۱</sup>	۲/۳۰۴۰	۲/۳۰۴۰
	بالا	

۲/۳۶۷۵	۲/۳۶۷۵	متوسط	
۲/۵۶۱۲		پایین	
۰/۷۱۵	۰/۰۹۴	Sig	
۲/۳۰۴۰	۲/۳۰۴۰	بالا	آزمون شفه <sup>۱</sup>
۲/۳۶۷۵	۲/۳۶۷۵	متوسط	
۲/۵۶۱۲		پایین	
۰/۸۰۹	۰/۱۸۳	Sig	

برای بررسی رابطه بین شاخص‌های کیفیت بافت شهری و انزوای اجتماعی و ابعاد آن از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد بافت کالبدی شهری با تنهایی زنان با ضریب (-۰/۱۸۲) رابطه معنادار و منفی دارد. به این معنی که با افزایش کیفیت بافت شهری از نظر کالبدی (مناسب بودن ظاهر محله، مناسب بودن وضعیت موجود خیابان‌ها، عرض معابر و کوچه‌ها، نزدیکی به مراکز خرید شهر، مناسب بودن شرایط تردد شهروندان، مناسب بودن مراکز تفریحی، رفت و آمد آسان و ...)، میزان تنهایی زنان کاهش می‌یابد. همچنین بافت کالبدی شهری با تحمل اجتماعی زنان با ضریب (۰/۲۱۸) رابطه معنادار و مثبت دارد. به این معنی که با افزایش مطلوبیت بافت شهری از نظر کالبدی، میزان تحمل اجتماعی زنان افزایش می‌یابد. به طور کلی بافت شهری از نظر کالبدی با ضریب (-۰/۳۲۸) رابطه معنادار با انزوای اجتماعی دارد.

همچنین بافت اقتصادی شهری با تحمل اجتماعی زنان با ضریب (۰/۱۶۶) رابطه معنادار و مثبت دارد. به این معنی که با افزایش کیفیت بافت شهری از نظر اقتصادی (توانایی مالی و سطح درآمدی ساکنین، ارزش اقتصادی زمین و مسکن، فرصت‌های اقتصادی برای ساکنین محله و نقش اقتصادی محله در سطح شهر)، میزان تحمل اجتماعی زنان افزایش می‌یابد. همچنین به طور کلی بافت شهری از نظر اقتصادی با ضریب (-۰/۱۲۱) به میزان ضعیف رابطه معنادار و منفی بر انزوای اجتماعی دارد. به این معنی که با افزایش مطلوبیت اقتصادی بافت شهری، میزان انزوای اجتماعی کاهش می‌یابد.

بافت اجتماعی شهری با عجز زنان با ضریب (-۰/۱۸۵) و با یاس اجتماعی با ضریب (-۰/۲۱۹) رابطه معنادار و منفی دارد. به این معنی که با افزایش کیفیت بافت شهری از نظر اجتماعی (آشنا بودن مردم محله با هم، تعهد مردم محله نسبت به حل مشکلات، وجود روابط اجتماعی بین مردم محله، مشارکت مردم محله در تصمیم‌گیری‌های محلی، میزان آسیب‌های اجتماعی در محله، میزان امنیت محله و وجود تجانس اجتماعی)، میزان عجز و ناتوانی و یاس

1 Scheffe test

اجتماعی زنان کاهش می‌یابد. به طور کلی بافت شهری از نظر اجتماعی با ضریب (۰/۲۴۱-) رابطه معنادار با انزوای اجتماعی دارد.

وضعیت بافت فرهنگی شهری با تحمل اجتماعی زنان با ضریب (۰/۱۷۷) رابطه معنادار و مثبت و با عجز با ضریب (۰/۲۳۸-) رابطه معنادار و منفی دارد. به این معنی که با افزایش کیفیت بافت شهری از نظر فرهنگی (پایبندی افراد به هویت فرهنگی محله، وجود مکان‌ها و فضاهای فرهنگی و تربیتی، فضاهای مختص گذران اوقات فراغت، وجود مهاجران و تغییر ساختار فرهنگی محله و وجود کتابخانه و خانه فرهنگ)، میزان تحمل اجتماعی زنان افزایش می‌یابد. به طور کلی بافت شهری از نظر فرهنگی با ضریب (۰/۲۳۳) رابطه معنادار و منفی با انزوای اجتماعی دارد

**جدول شماره ۱۰: آزمون همبستگی شاخص‌های بافت شهری و ابعاد انزوای زنان**

تنهایی	عجز	یاس اجتماعی	تحمل اجتماعی	انزوای اجتماعی	
ضریب	۰/۱۸۲*	۰/۰۷۰	-۰/۰۹۵	۰/۲۱۸**	-۰/۳۲۸
معناداری	۰/۰۲۵	۰/۳۹۲	۰/۲۵۰	۰/۰۰۷	۰/۰۱۰
N	۳۵۰	۳۵۰	۳۵۰	۳۵۰	۳۵۰
ضریب	۰/۰۷۲	-۰/۰۲۹	-۰/۱۳۱	۰/۱۶۶*	-۰/۱۲۱
معناداری	۰/۳۸۷	۰/۷۲۳	۰/۱۱۰	۰/۰۴۳	۰/۰۴۰
N	۳۵۰	۳۵۰	۳۵۰	۳۵۰	۳۵۰
ضریب	-۰/۰۷۳	-۰/۱۸۵*	-۰/۲۱۹	۰/۰۸۳	۰/۲۴۱
معناداری	۰/۳۷۵	۰/۰۲۴	۰/۰۱۷	۰/۳۱۳	۰/۰۲۱
N	۳۵۰	۳۵۰	۳۵۰	۳۵۰	۳۵۰
ضریب	-۰/۰۷۱	-۰/۳۸۲	-۰/۰۰۹	۰/۱۷۷*	-۰/۲۳۳
معناداری	۰/۳۸۸	۰/۰۲۰	۰/۹۱۴	۰/۰۳۰	۰/۰۰۱
N	۳۵۰	۳۵۰	۳۵۰	۳۵۰	۳۵۰
انزوای اجتماعی					
کیفیت بافت شهری	ضریب	-۰/۲۵۷			
	معناداری	۰/۰۴۷			



نتایج آزمون همبستگی بین کیفیت بافت شهری و انزوای زنان نشان می‌دهد بافت شهری با انزوای اجتماعی زنان با ضریب  $(-۰/۲۵۷)$  رابطه معنادار و منفی دارد. به این معنی که با افزایش کیفیت بافت شهری، میزان انزوای اجتماعی زنان کاهش می‌یابد.

## نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش تحلیل جامعه‌شناختی رابطه شاخص‌های کیفیت بافت شهری بر انزوای اجتماعی زنان در شهر اصفهان بود. نتایج نشان داد که شاخص‌های کیفیت بافت شهری بر انزوای اجتماعی زنان اثر معنادار و منفی دارد. به این معنی که با افزایش کیفیت بافت شهری، میزان انزوای اجتماعی زنان کاهش می‌یابد. حوزه‌ی شهری و بافت شهری عرصه‌ای است که نابرابری در آن دیده می‌شود، به گونه‌ای که ادعا می‌شود زنان و مردان فضاهای شهری را به صورت‌های متفاوتی تجربه می‌کنند و به عبارت دیگر زنان به طور یکسان با مردان از فضاهای شهری بهره‌مند نمی‌شوند و به نظر برخی مفسرین شهری شهرها محصول برنامه‌ریزی‌های شهری مردانه است و شهرسازی مدرن در ماهیت خود خصلتی پدرسالارانه دارد، گویا شهرسازی مدرن از ارزش‌ها و هنجارهای مردانه تبعیت می‌کند. همچنین امروزه ماهیت بیشتر فضاهای شهری جنسیتی شده و در عمل فضاهای شهری تحرک آزادانه‌ی زنان را محدود می‌کنند. به عقیده‌ی بسیاری از محققان، محدودیت‌ها و حصارهای فرهنگی ایجاد شده برای زنان در فضای اجتماعی و عرصه‌های عمومی باعث شده است که آنها نتوانند به خوبی از موقعیت خود بهره ببرند و مجبور باشند خود را همچون یک عنصر غیر لازم از صورت مسئله‌ی فضاهای شهری و عرصه‌های عمومی حذف کنند و نیازهای فضایی خود به عنوان یک شهروند را منکر شوند. این نظریات باعث شد تا پژوهشگر به بررسی رابطه بافت شهری بر انزوای زنان علاقمند شده و به این مسئله بپردازد.

منظور از بافت کالبدی شهر در این پژوهش همان عناصر و اجزای کالبدی تشکیل دهنده‌ی فضاهای شهری می‌باشد که بایستی نیازهای فضایی-رفتاری مردم را در قالب فضای کالبدی مناسب برطرف کنند. درواقع طراحی شهری باید بتواند نیازها و توقعات استفاده‌کنندگان به خصوص زنان را برآورده کند و در صورتی که نتیجه کار طراحی شهری نتواند نیاز به امنیت و ارتباطات اجتماعی آنها از فضا را ارضا کند، فضاهایی در شهر خلق می‌شوند که زنان در آن احساس امنیت نداشته و زمینه بروز انزوای اجتماعی آنان فراهم می‌شود. درواقع مناطق نامناسب شهری، زنان را آسیب‌پذیرتر و آسیب‌ها را بیشتر می‌کند و نوع شهرسازی و نحوه چیدمان شهری به عنوان یکی از عوامل می‌تواند روابط زنان با شهر را محدود کند. این قسمت از نتایج با پژوهش پورحسین روشن و همکاران (۱۴۰۰)، یانلی و همکاران (۲۰۲۱) و منک و همکاران (۲۰۱۹) همسو می‌باشد.

منظور از بافت اقتصادی شهری در این پژوهش ارزش اقتصادی و فرصت‌های اقتصادی مناطق شهری است که این مورد نیز می‌تواند در ارتباطات اجتماعی موثر واقع شود. در واقع سطح اقتصادی شهری و مشارکت‌های اقتصادی زنان می‌تواند زمینه فعالیت‌های اجتماعی آنان را افزایش داده و باعث کاهش انزوای اجتماعی شود. از طرفی نیز بافت شهری از لحاظ اقتصادی نیز می‌تواند مشکلات ورود زنان به اجتماع را کاهش داده و بستری مهیا کند تا زنان نیز مانند مردان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی مشارکت کنند. این بخش از نتایج با پژوهش اسمی (۱۴۰۱) و بشیری و همکاران (۱۳۹۵) همسو می‌باشد.

منظور از بافت از شهری از لحاظ اجتماعی در این پژوهش آشنا بودن مردم محله، تعهد مردم و وجود روابط اجتماعی، مشارکت مردم، آسیب‌های اجتماعی، امنیت و تجانس اجتماعی مردم بود. براساس نظریات بوم‌شناختی و جامعه‌شناختی عامل محیط و روابط و مناسبات اجتماعی بر کیفیت و سبک زندگی افراد تاثیر می‌گذارد که در این بین میزان انزوای اجتماعی افراد نیز وابسته به همین مناسبات اجتماعی است. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های قربانی و همکاران (۱۴۰۱)، اسمی (۱۴۰۱) و آمبرسون و همکاران (۲۰۲۳) همسو می‌باشد.

بافت شهری از لحاظ فرهنگی نیز به بررسی هویت فرهنگی، فضاهای فرهنگی، فضاهای مختص گذران اوقات فراغت و ساختار فرهنگی مناطق سکونت شهروندان می‌پردازد و در این پژوهش نیز به رابطه بافت فرهنگی شهری بر انزوای زنان پرداخته شد. در واقع توسعه فضاهای فرهنگی مخصوص زنان به جهت ایجاد بستری مناسب برای گذران اوقات فراغت و محیط‌های سرزنده و فعال در افزایش حضور انتخابی زنان در فضاهای شهری و برقراری تعاملات اجتماعی آنان موثر است و این راهکاری عملی برای ممانعت از انزوای اجتماعی است. این بخش از نتایج نیز با پژوهش‌های قهرمانی و امینی (۱۴۰۱)، قربانی و همکاران (۱۴۰۱)، مدرسی یزدی و همکاران (۱۳۹۶) و سنتوس و همکاران (۲۰۲۰) همسو است. همچنین نتایج این پژوهش با نظرات تونیس، زیمل و ورث همخوانی داشته و به این نتیجه رسیدیم که بافت شهری مدرن و یا ترکیب فضای مدرن و سنتی در یک شهر باعث فاصله اجتماعی شهروندان و در نتیجه انزوای برخی از آن‌ها می‌شود که زنان گروهی از این افراد هستند که به دلیل بافت شهری جنسیتی شده، بیشتر از سایر گروه‌ها دچار انزوا شده و از فضای اجتماعی دور می‌شوند.

در حقیقت، زنان در بستر زندگی شهری این امکان را پیدا می‌کنند که از حصار نقش‌های محدود و سنتی خود خارج شوند و با ورود به فضای عمومی و فعالیت در آن، دنیای جدیدی را تجربه کنند. اما آنچه باعث می‌شود زنان نتوانند از امکانات موجود بهره‌ی برابری ببرند، روح و کالبد شهر و ترس از آزار و اذیت، خشونت و احساس ناامنی است. بنابراین، شهرها خصلتی متناقض دارند؛ چراکه در عین موقعیت‌ساز بودن برای زنان، محدودیت‌زا و خطرناک هم هستند. برای تغییر این وضعیت و کم شدن انزوای اجتماعی زنان، ضروری است که در درجه‌ی اول

امنیت و آرامش بی‌قید و شرط زنان در سطح شهر تأمین گردد و سپس زمینه‌های دسترسی سریع و آسان به خدمات مختلف برای رفع نیازهایشان فراهم شود. همچنین، کلبه‌ی امکانات و خدمات شهری باید به گونه‌ای سازماندهی شوند که مطابق نقش‌ها، ویژگی‌های فیزیکی و روحی و روانی زنان باشند تا آن‌ها در کمال آزادی و اطمینان خاطر در فضای شهر تردد و فعالیت کنند.

در آخر پیشنهاد می‌شود تا مدیریت شهری در بخش کالبدی به طراحی فضای کالبدی شهر مطابق با ایجاد امنیت و کاهش انزوای زنان در فضای اجتماعی توجه بیشتری معطوف کند. در بخش اقتصادی به کاهش نابرابری امکانات شهری در مناطق مختلف شهر برای استفاده تمام زنان ساکن در یک شهر بپردازد. در بخش اجتماعی به احداث و توسعه فضاهای عمومی مخصوص زنان به جهت ایجاد بستری برای گذران اوقات فراغت زنان توجه ویژه‌ای داشته و در بخش فرهنگی نیز با ایجاد و توسعه فضای فرهنگی و آموزش جامعه به منظور فرهنگ‌سازی در زمینه ورود زنان به محیط‌های شهری بستری مناسب برای زنان مهیا کند.

به سایر پژوهشگران پیشنهاد می‌شود تا به بررسی سایر عوامل اثرگذار به غیر از بافت شهری بر انزوای اجتماعی زنان پرداخته و به تفاوت بافت فرسوده و بافت مدرن شهری بر انزوای زنان توجه نشان دهند.

## محدودیت‌ها

- عدم دسترسی به نمونه‌های بیشتر در مناطق مختلف شهری از نظر سطح طبقاتی.
- عدم وجود ابزار سنجش دقیق برای بررسی بافت شهری.

## منابع

- ابوالفتحی ممتاز، یداله؛ نیلوفر، محمودی؛ فروغان، مهشید؛ زنجری، نسیم؛ محقق کمال، سید حسین، (۱۳۹۸)، شیوع انزوای اجتماعی و عوامل مرتبط با آن در بین سالمندان شهر تهران در سال ۱۳۹۸. *توانبخشی*، ۹۰(۱)، صص ۹۵-۱۱۱.
- آرون، ریمون، (۱۳۷۸)، *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات علمی، فرهنگی.
- آزادارمکی، نقی؛ کمالی، افسانه، (۱۳۹۵)، اعتماد، اجتماع، جنسیت، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۵(۲)، صص ۱۰۰-۱۳۳.
- اسمی جوشقانی، زهرا، (۱۴۰۱)، بررسی تاثیر عوامل جامعه‌پذیری بر انزوای اجتماعی شهروندان شهرستان کاشان، *مجله پویا در آموزش علوم انسانی*، پیاپی ۲۷، صص ۳۷-۵۱.

بشیری، یاسر؛ نامدار زنگنه، فریبا؛ کوهی کمالی، شیوا، (۱۳۹۵). بررسی میزان انزوای اجتماعی در زنان سرپرست خانوار. **همایش بین‌المللی افق‌های نوین در علوم تربیتی، روانشناسی و آسیب‌های اجتماعی**، PHCONF01\_053

پوراحمد، احمد، آروین، محمود، رحیم‌پور، نگار، (۱۳۹۶). ارزیابی احساس امنیت زنان در فضاهای شهری (مطالعه موردی، منطقه یک شهر اهواز). **مطالعات شهری**، ۶(۲۳)، پیاپی ۲۳، صص ۵۳-۶۸.

پورحسین روشن، حمید؛ پورجعفر، محمدرضا؛ علی‌اکبری، صدیقه، (۱۴۰۰). تبیین عدالت جنسیتی در فضاهای شهری، مورد مطالعه: فضای شهری مجموعه خواهر امام رشت، **فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای**، ۴(۱۰)، صص ۱۱۵-۱۴۵.

تانکیس، فرن، (۱۳۹۰). **فضا، شهر و نظریه اجتماعی: مناسبات اجتماعی و شکل‌های شهری**، ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

چلبی، مسعود؛ امیرکافی، مهدی، (۱۳۸۱). «تحلیل سطحی انزوای اجتماعی». **مجله جامعه‌شناسی ایران**، ۵(۲)، صص ۳-۳۱.

رشیدی، طلا؛ ملک حسینی، عباس، (۱۳۹۳). مدرنیته و تاثیر آن بر هویت‌یابی زنان در فضاهای عمومی شهری (مورد مطالعه: پارک ائل‌گلی تبریز). **پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری**، ۲(۳)، صص ۳۴۳-۳۷۰.

رضایی‌نسب، زهرا؛ فتوحی، سردار، (۱۳۹۸). بررسی تفاوت‌های جنسیتی در انزوای اجتماعی زنان در شهر تهران. **فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری**، ۸(۲۶)، صص ۱۲۷-۱۶۰.

زیمل، جورج، (۱۳۷۲). کلانشهر و حیات ذهنی. ترجمه یوسف ابادری، **فصلنامه علوم اجتماعی**، ۳(۱)، صص ۵۳-۶۶.

سام‌آرام، عزت‌اله؛ امینی یخدانی، مریم، (۱۳۸۸). بررسی وضعیت سلامت زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی قم. **فصلنامه تخصصی بانوان شیعه**، ۳(۲۱)، صص ۱۳۳-۱۶۰.

ساندرز، پیتر، (۱۳۹۲). **نظریه اجتماعی و مسأله شهری**، ترجمه محمود شارع پور، تهران: تیسار.

فتحی، سروش، (۱۳۹۵). تحلیلی بر روابط اجتماعی در فضای شهری پایدار. **مطالعات توسعه اجتماعی ایران**، ۴(۴)، صص ۴۷-۶۴.

فلاح‌پور، شهاب؛ نظری، نوشین؛ فلاح‌پور، حجت، (۱۴۰۰). بررسی تأثیر فضای شهری بر احساس امنیت زنان (نمونه موردی: محله جهانگیرآباد شهر خرم‌آباد). **فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس**، ۱۳(۴۸)، صص ۱۲۱-۱۴۱.

قربانی، علیرضا؛ اونق، نازمحمد؛ صالحی، عبدالرضا، (۱۴۰۱). تحلیل عوامل اجتماعی فرهنگی مؤثر بر انزوای اجتماعی: مورد مطالعه شهر باغبه‌داران. **تحقیقات فرهنگی ایران**، ۱۵(۲) (پیاپی ۵۸)، صص ۱۵۷-۱۸۷.

قهرمانی، محمدعلی؛ امینی، الهام، (۱۴۰۱)، بررسی نقش مراکز مذهبی در کاهش انزوای اجتماعی محله‌های شهری با رویکرد سرمایه اجتماعی، نمونه موردی: (محله تجریش و محله شاه عبدالعظیم تهران)، **جغرافیا و مطالعات محیطی**، ۱۱(۴۳)، صص ۷۴-۹۲.

کلاتری، عبدالحسین؛ حسینی‌زاده آرانی، سیدسعید، (۱۳۹۴)، شهر و روابط اجتماعی: بررسی ارتباط میان میزان انزوای اجتماعی و سطح حمایتی اجتماعی دریافتی با میزان تجربه احساس تنهایی (مورد مطالعه: شهروندان تهرانی). **مطالعات جامعه‌شناختی شهری** (مطالعات شهری)، ۵(۱۶)، صص ۸۷-۱۱۸.

کرمانی، فاطمه، (۱۳۹۹)، **پایان‌نامه بررسی رابطه سلامت اجتماعی و انزوای اجتماعی در زنان مراجعه کننده به بیمارستان شهید محلاتی تبریز**. تبریز، دانشگاه تبریز.

کیویستو، پیتر، (۱۳۸۶). **اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی**، تهران: نشر نی.

مدرسی یزدی، فائزه السادات؛ فرمند، مهناز؛ افشانی، علیرضا، (۱۳۹۶). بررسی انزوای اجتماعی دختران مجرد و عوامل فرهنگی مؤثر بر آن (مطالعه دختران مجرد بالای ۳۰ سال شهر یزد). **مسائل اجتماعی ایران (دانشگاه خوارزمی)**، ۱۸(۱)، صص ۱۲۱-۱۴۴. [SID. https://sid.ir/paper/173536/fa](https://sid.ir/paper/173536/fa).

محمدی، جمال؛ جهانگیری، امید؛ پاکدامن، یوسف، (۱۳۹۵). تجربه احساس ناامنی زنان در فضاهای شهری. **فصلنامه مطالعات فرهنگ ارتباطات**، ۱۷(۳۳)، صص ۷-۳۰.

Locher, Julie L. Christine S. Ritchie, David L. Roth, Patricia Sawyer Baker, Eric V Bonder, Richard M. Allman (2019), " Social isolation, Support, and capital and nutritional risk in an older sampel: ethnic and gender differences", **Social Science & Medicine** 60, 747-761.

Menec VH, Newall NE, Mackenzie CS, Shoostari S, Nowicki S (2019) **Examining individual and geographic factors associated with social isolation and loneliness using Canadian Longitudinal Study on Aging (CLSA) data**. PLoS ONE 14(2): e0211143. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0211143>.

SANTOS, L. L. dos; VIEGAS, L. B.; TEIXEIRA, M. L.; OLIVEIRA, R. de C. M.; BARBOSA, V. V. da S.; REIS, L. D. Social isolation as a trigger for violence against women in the pandemic experience. **Research, Society and Development**, [S. l.], v. 9, n. 8, p. e719986104, 2020. DOI: 10.33448/rsd-v9i8.6104. Disponível

Umberson, D. Lin, Z. Cha, H. (2023). Gender and Social Isolation across the Life Course. **J Health Soc Behav**; 63(3): 319–335. doi:10.1177/00221465221109634

YanLai, Ka. Sarkar,Chinmoy. Kumari, Sarika. Y.Ni, Michael. Gallacher, John. Webster, Chris. (2021). Calculating a national Anomie Density Ratio: Measuring the patterns of loneliness and social isolation across the UK's residential density gradient using results from the UK Biobank study. **Landscape and Urban Planning**, Volume 215, 104194.